

نقش علم حقوق در جلوگیری از گسترش طلاق

دکتر علیرضا حسنی - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

مقدمه

با تو پیوستم و از غیر تو دل ببریدم
آشنای تو ندارد سر بیگانه و خویش
به عنایت نظری کن که من گمشده را
نرود بی مدد لطف تو کاری از پیش

یکی از مباحث مهم در حقوق مدنی ایران مبحث حقوق خانواده است. جایگاه والای خانواده به عنوان با هویت ترین نهاد اجتماعی، از دیر باز و خصوصاً قرون اخیر موقعیت و مقام ممتازی را در بین کلیه تأسیسات حقوق کهن و نوین احراز کرده است.

اهمیت خانواده در مجادله بی امان و مستمر تاریخ ملت ها به حدی است که هیچ یک از مکاتب سیاسی، اجتماعی و فلسفی از پرداختن به آن بی نیاز نبوده اند. از نخستین روز های پیدایش بشر بر عرصه خاک و اولین شکفتگی های اندیشه بشری در گستره عظیم تاریخ خرد آگاهی خانواده و حقوق مربوط به آن همواره بخش قابل توجهی از اشتغالات فکری انسان را تشکیل می داده است.

اصل دهم قانون اساسی نقش بنیادی خانواده را در حقوق اعلام می دارد:

«از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین ومقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده پاسداری از قداست آن واستواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

این اصل نه تنها دو تکلیف قوه قانون گذاری و اجرایی را درباره خانواده معین می کند بلکه در بیان نظر قانون گذار به هنگام تفسیر قوانین از جهت حقوقی و علمی و هم چنین ایجاد رویه قضایی نیز روشن است و هدف نظام حقوقی را درباره خانواده مشخص می کند. خانواده سالم و مقتدر در حفظ قدرت و پیشرفت اقتصادی و فرهنگ جامعه نقش بسزایی را ایفا می کند. مطالعه تاریخ نشان می دهد که دولت هایی موفق بوده اند که ارکان اساسی خانواده در آن جامعه ها محکم تر و استوارتر بوده است. بطور یقین می توان ادعا کرد که انحطاط هر قوم زمانی شروع می شود که میان خانواده های آن قوم سستی و پستی رسوخ نماید.

در زمینه اقتصاد نیز خانواده سهم مؤثری در استوار کردن بنیه مالی کشور و رشد ثروت دارد تاریخ نشان داده است که نخستین گروه های اقتصادی را خانواده ها تشکیل داده اند.

همان طوری که در بالا ذکر شد، استواری خانواده نقش مهمی را در رشد دولت ها و جامعه ها ایفا می کند و در مقابل انحلال و نابودی خانواده باعث اضمحلال اقتصاد و فرهنگ دولت و جامعه

خواهد شد. بررسی وضعیت اطفال و افراد بزرگسالی که در پشت میله های زندان قرار دارند به خوبی نشان می دهد اکثر مجرمین و بزهکاران از میان خانواده هایی هستند که دچار مشکلاتی از قبیل طلاق و فسخ نکاح و در نتیجه از هم پاشیدن نظام خانواده شده اند.

اهمیت اثرات اجتماعی و اقتصادی خانواده، قانون گذار را بر آن داشته که قوانینی برای حمایت از خانواده وضع کند. امروزه حمایت قانونی از این نهاد ارزشمند در همه کشورها از جمله ایران مورد توجه است. در قوانین مربوط به خانواده باید عرف و عادت و سنن اخلاقی و اعتقادات مذهبی در نظر گرفته شود؛ وگرنه اجرای قانون با مشکلات بسیار مواجه خواهد شد.

نهاد خانواده نه تنها در قوانین داخلی مورد توجه واقع شده بلکه در اسناد و مقررات بین المللی نیز مورد حمایت قرار گرفته است.

بند "۳" ماده (۱۶) اعلامیه جهانی حقوق بشر در این خصوص می گوید :

«خانواده رکن طبیعی و اساس اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهرمنند شود.»
بنابر این حقوق خانواده - که قواعد مربوط به خانواده را مورد بحث قرار می دهد - از اهمیت خاصی برخوردار است و اهمیت موضوع تنها ناشی از نقش اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی خانواده نیست؛ بلکه از لحاظ علمی و عملی هم شایان توجه و در خور بحث است.

در میان مسائل و موضوعات حقوق خانواده یکی از مباحث مهم و اساسی مبحث طلاق است. آمار طلاق و جدایی زوجین در کشور ما به سرعت در حال افزایش است؛ در حالی که متأسفانه مجامع علمی و دانشگاهی و صاحب نظران، نگاهی بسیار سطحی به این مقوله دارند و به چند هشدار از طریق ارائه برخی مقالات در مطبوعات یا کنفرانس ها بسنده نموده اند و کم تر به ارائه راه حل های عملی در خصوص جلوگیری از این بحران اجتماعی پرداخته اند.

امروز آمار بالای طلاق در جامعه در حال تبدیل شدن به یک بحران اجتماعی و امنیتی است که عدم توجه جدی به این مسأله می تواند عواقب بسیار ناخوشایندی برای جامعه ایران به دنبال داشته باشد.

عواقبی هم چون:

- ۱_ افزایش جرم و جنایت و بزهکاری در جامعه؛
 - ۲_ افزایش فساد و فحشا در جامعه؛
 - ۳_ اختلال در رشد دماغی و ذهنی کودکان ناشی از طلاق؛
 - ۴_ ایجاد اختلالات روانی شدید در میان زنان ، مردان و فرزندان طلاق زده و به وجود آمدن عقده های روحی و روانی؛
 - ۵_ اسارت فرزندان طلاق در زندان ناپدری یا نامادری و عواقب شوم آن.
- تنها توجه به یکی از عواقب سوء طلاق و جدایی زوجین می تواند حساسیت و اهمیت موضوع را برای ما روشن نماید تا بسیار موشکافانه تر و دقیق تر به ابعاد طلاق نگاهی ژرف بیندازیم و نظر مقنن و صاحب منصبان دولتی را به اهمیت این موضوع جلب نماییم.

با توجه به محدود بودن حجم مقاله در ارائه مطالب سعی می شود بدون پرداختن به کلیات و حواشی به صورت صریح به ارائه راه کارهایی در خصوص جلوگیری از گسترش طلاق پرداخته شود:

۱_ الزامی شدن آموزش حقوق خانواده در تمامی مقاطع سنی

یکی از مشکلات عمده ای که در کشور ما وجود دارد عدم آگاهی افراد نسبت به مبانی حقوق خانواده و رفتار متقابل زوجین با یکدیگر است. با کمال تأسف در کشور ما در هیچ یک از مقاطع تحصیلی از دبستان تا تحصیلات دانشگاهی هیچ درسی تحت عنوان آشنایی با حقوق خانواده وجود ندارد؛ در حالی که کودکان و نوجوانان و جوانان ما در مقاطع تحصیلی با انبوهی از اطلاعات تاریخی، جغرافیایی و که بعضاً چندان فایده عملی در طول زندگی شان ندارد، آشنا می شوند و زمان زیادی از صرف حفظ بسیاری از مطالب درسی می کنند؛ از مهمترین و اساسی ترین مسأله که همان ازدواج و تشکیل زندگی زنا شویی می باشد، غافل هستیم. این جانب به واسطه شغلم که تدریس در دانشگاه است همه روزه شاهد آن هستم که جوانان تحصیل کرده و دانشجوی ما حتی در این سطح هیچ اطلاعاتی در خصوص زندگی زنا شویی و نحوه برخورد با جنس مخالف و تربیت اولاد ندارند. ما وقتی در بدیهی ترین موضوع که همان آموزش است و کم ترین هزینه را برایمان در پی دارد، با مشکل و بی برنامهگی مواجه هستیم، چطور انتظار داریم ارکان خانواده حفظ شود و آمار طلاق کاهش یابد. صدا و سیما که می تواند نقش بسیار مهم و اساسی در آموزش مبانی خانواده ایفا نماید متأسفانه کم تر به این موضوع پرداخته است؛ این در حالی که ساعت ها وقت صدا و سیما به برنامه های مختلف ورزشی و تبلیغات کالاهای مصرفی اختصاص دارد و تنها یک یا چند ساعت به مقوله خانواده می پردازد که این امر جای بسی تأسف دارد. جالب آن جاست که حتی بعضی از سریال ها و فیلم هایی که ساخته می شود خود نقش مخربی بر ارکان خانواده دارد. در این خصوص پیشنهاد می گردد:

الف) آموزش حقوق خانواده در تمام مقاطع تحصیلی از مهد کودک تا تحصیلات تکمیلی اجباری گردد. قانون گذار با تدوین مواد قانونی خاص وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و تحقیقات و فناوری را مکلف نماید با همکاری اساتید برجسته حقوق خانواده و قوه قضاییه جزوات و کتاب هایی در خصوص آموزش علمی و عملی و نحوه مقابله با بحران های خانوادگی و با استفاده از اساتید مجرب حقوقی طی واحدهای درسی اجباری در کلیه مقاطع تحصیلی تدریس گردد.

ب) صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک رسانه فراگیر مکلف گردد که ساعاتی از برنامه های روزانه خود را به بحث راجع نحوه ازدواج صحیح، روابط صحیح زن و شوهر و نحوه مقابله زوجین با مسائل و مشکلات زنا شویی و نحوه تربیت صحیح فرزندان اختصاص دهد و با ارائه راه کارهایی، با فیلم و سریالهایی که آثار مخربی بر ارکان خانواده ها دارد، برخورد جدی گردد.

ج) مکلف نمودن ارگان هایی هم چون قوه قضائیه، ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی و..... مبنی بر تهیه بروشورهایی حاوی اطلاعات اخلاقی اجتماعی و خانوادگی به گونه ای که این بروشورها به صورت ماهانه چاپ و در اختیار زنان خانه دار و مشاغل آزاد گذاشته شود.

د) مکلف نمودن کلیه ارگان ها و سازمان های دولتی و خصوصی مبنی بر برگزاری کارگاه های آموزشی در خصوص آموزش حقوق خانواده و راه کارهای مقابله با بحران های خانوادگی توسط اساتید مجرب در این بند پیشنهاد می شود که این راهکارها هر ماه به صورت اجباری برای کلیه پرسنل سازمان ها اجرا گردد. مسلماً اجرای این چنین کارگاه هایی در تثبیت مبانی حقوق خانواده و جلوگیری از فروپاشی خانواده ها نقش ارزنده ای ایفا خواهد نمود.

۲) اصلاح ماده (۱۰۳۴) قانون مدنی

در ماده (۱۰۳۴) قانون مدنی آمده است :

«هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می توان خواستگاری کرد.»

بررسی ها و پژوهش ها مختلفی که از سوی محققان و پژوهشگران صورت گرفته است مؤید آن است که علت بسیاری از طلاق ها و از هم پاشیدگی خانواده ها به علت ازدواج های اجباری، اختلاف فاحش سن، اختلاف در سطح تحصیلات، ازدواج زودرس یا کم سالی و اعتیاد می باشد. بنابراین با عنایت به این که این موضوع به اثبات رسیده است که موارد بر شمرده شده خود به تنهایی می تواند از عوامل جدایی و طلاق محسوب گردد؛ عاقلانه نیست که ما در مواردی که خواستگاری ای با وجود این مسأله می خواهد شکل بگیرد، اجازه ازدواج به افراد دهیم و سپس زوجین و فرزندان آن ها و جامعه را دچار مشکلات حادی نماییم. بنابراین به مقنن پیشنهاد می گردد با در نظر گرفتن مسائل فوق الذکر نسبت به اصلاح ماده (۱۰۳۴) اقدام نماید.

۳) در نظر گرفتن مجازات برای عاملین ازدواج های اجباری و ازدواج های واقع شده در سنین

پایین

در جامعه هستند افرادی که برای رسیدن به آمال و آرزوهای خود دختران و پسران را مجبور به ازدواج می کنند و بدون رضایت آنان به اجبار و یا اکراه افراد را مجبور به تشکیل زندگی زنا شویی می نمایند یا گاه والدین، فرزندان کم سن و سال خود را تزویج می کنند و با این عمل خود با مصالح فرزندان خود و جامعه بازی می کنند. پژوهش ها نشان داده است که این گونه ازدواج ها جز حرمان و شکست چیزی در پی نخواهد داشت. در قوانین ما جز ضمانت اجرای مدنی که فسخ نکاح می باشد ضمانت اجرای دیگری پیش بینی نشده است در حالی که به نظر می رسد با توجه به عواقب ناخوشایند ازدواج های اجباری و ازدواج در سن کم می بایست برای عوامل آن در قانون مجازات اسلامی مجازات قانونی در نظر گرفته شود تا افراد به خود اجازه دخالت در سرنوشت دیگران و جامعه را ندهند.

۴) اجباری شدن معاینات روانی و جسمی قبل از ازدواج

بسیاری از عوامل روانی، اخلاقی و جسمی در بروز طلاق مؤثر است که به طور خلاصه می توان به مواردی هم چون افسردگی یا غمگینی، خستگی روانی، جنون، سرد مزاجی زن یا مرد، عیاشی یا هوس رانی مرد یا زن، انحرافات اجتماعی، اخلاقی و جنسی، تند خویی و خشونت، بی ایمانی، وابستگی شدید عاطفی به پدر و مادر، بیماری های متعدد جسمی، بیماری های طویل المدت، عقیم بودن زن یا مرد و ناتوانی جنسی هر یک از آن. مسلماً اگر هر یک از دختر و پسر از وجود یکی از اختلالات روانی و جسمی در طرف مقابل آگاه شود، ممکن است از ازدواج صرف نظر نماید یا اگر قصد ازدواج نیز دارد با علم و آگاهی از عیب طرف مقابل، خود را برای مقابله با این عیب آماده کند و کسی که با آگاهی و دانش نسبت به مشکلات طرف مقابل، خود را برای ازدواج آماده می کند بهتر خواهد توانست خود را برای زندگی با چنین فردی آماده کند و مطمئناً کم تر با مشکل و مسأله طلاق روبرو خواهد شد.

۵) تأسیس و تشکیل مؤسسات ازدواج

بسیاری از دختران و پسران یا خانواده های آن ها در هنگام خواستگاری و ازدواج از نظر روانی با بحران مواجه می شوند کم این امر در نتیجه ی عدم اطلاعات کامل روانی نسبت به طرف مقابل و توجه به مشکلات متعددی که ممکن است پیش روداشته باشند، بوجود می آید.

هنگامی که برای دختر خانمی خواستگار می آید خانواده در تشخیص معیارهای مناسب ازدواج، تحقیق از خواستگار و بررسی صحت و وسقم ادعای وی خصوصاً در شهرهای بزرگ که همدیگر را نمی شناسند، دچار مشکل می شود. تشکیل مؤسسات ازدواج با ضوابط قانونی و شرعی خاصی که باید توسط افراد صلاحیتدار و متخصص اداره گردد، می تواند به عنوان مرجعی مطمئن و قابل اتکا برای خانواده محسوب گردد. برای این مؤسسات می توان چند وظیفه خطیر و مهم در نظر گرفت:

الف) انجام تحقیقات در خصوص شخص معرفی شده برای ازدواج از طرف دختر یا پسر یا خانواده های آن ها به طوری که بتوان نسبت به تحقیقات صورت گرفته اطمینان حاصل نمود.

ب) ارائه مشاوره به دختران و پسران آماده ازدواج در خصوص شرایط همسر ایده آل آن ها.

ج) معرفی دختران آماده ازدواج به پسرانی که قصد ازدواج دارند با توجه به شرایطی که مد نظر طرفین می باشد. بسیاری از دختران هستند که دارای شرایط مناسب برای ازدواج بوده و از موقعیت شخصیتی و خانوادگی خوبی برخوردار هستند اما برای خانواده های دیگر ناشناخته مانده اند و این موضوع در شهرهای بزرگ بیشتر به چشم می خورد. با تشکیل این مؤسسات - که در ایجاد اشتغال نیز مؤثر هستند - خانواده ها می توانند مشخصات و موقعیت دختران خود را در اختیار این مؤسسات قرار دهند و خانواده های پسران نیز می توانند با مراجعه به این مؤسسات با دختران آماده ازدواج آشنا گردند. بدین ترتیب زمینه ازدواج دو تن که از هر نظر به هم نزدیک می باشند، فراهم خواهد شد.

د) افرادی که به عنوان مدیر این گونه مؤسسات انتخاب می گردند می بایست مورد اعتماد اهالی آن شهر و محله باشند؛ تحصیلات عالی داشته باشند و توانا در انجام وظیفه فوق الذکر باشند.

۶) تاسیس مؤسسات مشاوره

بسیاری از زوجین که در زندگی زناشویی خصوصاً سال های اول زندگی با مشکلات و معضلاتی روبرو می شوند نمی دانند برای مشاوره و حل مشکل خود به کدام مرجع اعتماد نمایند و گهگاه با مراجعه به افرادی که تخصص کافی و وافی ندارند؛ بر مشکلات آن ها افزوده می شود.

در کشور ما واحدهایی تحت عنوان مشاوره خانواده زیر نظر سازمان بهزیستی فعالیت می کنند و واحدهای ارشاد و امداد در سیستم قضایی وجود دارد اما این گونه واحدها به علت ساختار تشکیلاتی و عدم وجود افراد متخصص در رأس آن ها نتوانسته اند پیرامون راهنمایی خانواده ها و ارائه ی پیشنهادها و مشاوره های درست و سازنده به آن ها مساعدت نماید؛ لذا در این خصوص پیشنهاد می گردد:

الف) هر یک از این واحدها از ۴ عضو تشکیل گردد؛ یک متخصص حقوقی آگاه به حقوق خانواده، یک روانشناس، یک متخصص امور مذهبی و یک معتمد محلی.

ب) کلیه زوجینی که به نحوی دچار مشکل می شوند و جهت جدایی به دادگاه ها مراجعه می نمایند یا در اثر نزاع به وجود آمده به کلانتری ها مراجعه می کنند جهت مشاوره به این مراکز معرفی گردند.

ج) کلیه زوجینی که قصد ارائه دادخواست طلاق را دارند مکلف باشند به این مؤسسات مراجعه نمایند و در صورتی که مؤسسات مذکور پس از مشاوره، عدم امکان ادامه زندگی را تایید نمودند گواهی مبنی بر عدم امکان سازش صادر نمایند و در صورت صدور چنین گواهی دادگاه ها به دادخواست طلاق رسیدگی نمایند. مسلماً ارائه این پیشنهاد خود به جلوگیری از اطلاع دادرسی در دادگاه های خانواده کمک خواهد نمود.

د) ارائه مشاوره و مددکاری به زوجین که دچار بحران طلاق شده اند. زوجینی که با معضل طلاق مواجه می شوند روزهای پس از جدایی با بحران های جدی مواجه می شوند که گهگاه منجر به معضلات روحی و روانی

و جسمی شده و عواقب ناخوشایندی در پی خواهد داشت. این مؤسسات می توانند با ارائه مشاوره و راهنمایی به این زوجین کمک شایانی نمایند.

ح) پیشنهاد می گردد این مؤسسات به طور گسترده در تمام کشور علی الخصوص در مراکز دانشگاهی کارخانه ها و ادارات به صورت خاص تشکیل گردد تا امکان استفاده از آن ها به راحتی برای همه فراهم گردد. و) با استفاده از رسانه های ملی هم چون مطبوعات، صدا و سیما و آموزش های خانواده- که در بند اول مقاله توضیح داده شد- فرهنگ استفاده از این مؤسسات برای همه خانواده ها مهیا گردد.

۱۷) تربیت قضات ویژه خانواده

در کشور ما فارغ التحصیلان دانشکده حقوق برای اشتغال به شغل قضاوت آموزش می بینند؛ در حالی که رسیدگی به دعاوی خانوادگی و ماهیت این گونه دعاوی و روحیه لطیف زن و شوهر و فرزندان و روابط عاطفی که در ساختار خانواده وجود دارد، نیاز به آن دارد که قضات محترمی که به این گونه دعاوی رسیدگی می کنند، تربیت خاص و ویژه ای دیده باشند؛ بنابر این در این قسمت پیشنهاد می گردد:

گرایش خاصی تحت عنوان رشته حقوق خانواده تأسیس گردد (ظاهراً این رشته به صورت مستقل تأسیس گردیده است؛ در این رشته دانشجویان علاوه بر دروس حقوق با دروسی هم چون روانشناسی، جامعه شناسی، پزشکی قانونی، انحرافات جنسی و اخلاقی، تربیت اولاد و آشنا شده و با مسائل حقوق خانواده به طور کامل و جامع آشنا گردند و قضات دادگاه های خانواده نیز از بین فارغ التحصیلان این رشته انتخاب گردند.

۱۸) تشکیل دادگاه های ویژه خانواده

به جز شهرهای بزرگ کشور که در آن ها مجتمع های ویژه برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی وجود دارد، در سایر شهرستان ها دادگاه های عمومی به دعاوی خانوادگی رسیدگی می کنند و در دادگاه های بخش، دادرسی که به تمام دعاوی رسیدگی می کند به دعاوی خانوادگی نیز رسیدگی می نماید. رسیدگی به دعاوی خانوادگی که از ماهیت کاملاً متمایزی با سایر دعاوی برخوردار می باشد در دادگاه های عمومی که به همه دعاوی از جمله دعاوی حقوقی و کیفری رسیدگی می نمایند؛ کاری صحیح و منطقی نیست. این جانب خود به کرات در دادگاه های عمومی شاهد رفت و آمد زنان جوان و کودکان خردسالی بودم که جهت پیگیری اختلافات خانوادگی خود، به دادگاه می آمدند؛ آیا با منطق و اصول حقوقی و روانشناسی سازگار است که در یک نیمکت دادگاه یک کودک یا نوجوان یا یک زن جوان نشسته باشند و در کنار آنها یک قاتل یا مجرم حرفه ای؟! آیا این امر خود تالی فاسد به دنبال نخواهد داشت؟

در اکثر دادگاه های بخش قضات جوانی که هنوز تجربه کاملی از زندگی زناشویی ندارند به دعاوی خانوادگی رسیدگی می کنند آیا به راستی آن ها قادر هستند به موضوع مهمی هم چون طلاق و اختلافات خانوادگی رسیدگی و اقدام به صدور رأی نمایند؟

جهت رفع این مشکل پیشنهاد می شود در هر شهرستان دادگاهی مستقل تحت عنوان دادگاه خانواده توسط قضاتی مجرب و ویژه- که در پیشنهاد قبلی شرح آن داده شد- تشکیل گردد و دادگاه های بخش صلاحیت رسیدگی به کل دعاوی خانوادگی را نداشته باشند. این پیشنهاد علاوه بر کمک به مسائل خانواده در اطاله ی دادرسی نیز مؤثر واقع خواهد شد. در همین مورد پیشنهاد می گردد که در دادگاه های خانواده قضات مشاور از بانوان تحصیل کرده در رشته حقوق خانواده وجود داشته باشد که نظر آن ها نیز در رأی مؤثر باشد؛ چرا

که در مسائل خانوادگی دعاوی و معضلاتی مطرح می شود که اصولاً بانوان به علت شرم و حیا از بازگو کردن مسائل در حضور قضات مرد معذور می باشند و این امر ممکن است موجب ضایع شدن حقوق آن ها گردد. در جلسات دادگاه ها بعضاً پدران و مادرانی که دچار اختلاف هستند فرزندان خود را به همراه خود به جلسات دادگاه می آورند و بکرات شاهد درگیری و گفتگو خصمانه زوجین در جلسات دادگاه ها و در خصوص کودکان هستیم که این موضوع لطمات جبران ناپذیر روحی و روانی بر روی کودکان خواهد داشت. جهت رفع این مشکل پیشنهاد می گردد در دادگاه های خانواده در هنگامی که زوجین وقت دادرسی دارند و فرزندان خود را به همراه می آورند مکانی جهت اسکان کوتاه مدت کودکان با سرپرستی خاص پیش بینی شود و حداقل در این مدت کوتاه که زوجین در دادگاه حضور دارند توسط سرپرستی که مسئول نگهداری آن ها می باشد، کودکان در خصوص اختلاف به وجود آمده بین پدر و مادرشان توجیه شده و سعی در رفع استرس و ایجاد آمادگی روانی در آن ها، جهت پذیرش جدایی والدین به عمل آید.

۹) حذف طلاق توافقی از قوانین

رویه قضایی دادگاه ها امروزه برای منوال است که در مواردی که بین زن و شوهر توافق شده باشد و طرفین توافق خود را به دادگاه اعلام دارند دادگاه پس از یک جلسه رسیدگی و احراز توافق به سرعت اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش جهت اجرای صیغه طلاق می نماید، پذیرش طلاق توافقی چند تالی فاسد به دنبال دارد:

اولاً) در بسیاری از موارد مردان با توجه به تسلطی که بر زنان دارند یا با تحت فشار قراردادنشان، آن ها را مجبور به امضای توافقنامه جهت طلاق را امضا می کنند.

ثانیاً) اصولاً زوجین در بسیاری از موارد قادر نیستند خیر و صلاح خود را تشخیص دهند و گاهی با عصبانیت تصمیمات عجولانه ای می گیرند که چنین تالی فاسد به دنبال خواهد داشت؛ علی الخصوص در صورتی که زوجین دارای فرزند یا فرزندان باشند.

در این خصوص پیشنهاد می گردد اگر زوجین تقاضای طلاق توافقی را نیز نمودند مراحلی که در بندهای قبل گفته شد طی گردد و سپس گواهی عدم امکان سازش صادر گردد.

۱۰) دولت در زمینه اشتغال بانوان متأهل به وضعیت خانواده و حمایت از آن توجه ویژه مبذول دارد.

یکی از عوامل طلاق رami توان اشتغال غیر متعارف بانوان در خارج از منزل به شمار آورد. گاهی اوقات خانم ها به موجب شغلی که دارند مکلفند حتی ساعات طولانی از اوقات شب را در خارج از منزل به سر برند یا به مأموریت های طولانی مدت بروند و گاهی اوقات نیز بین شهر محل اشتغال زوج و زوجه فاصله است که این امور خود مشکلات عدیده ای را برای خانواده ها ایجاد نموده و باعث بروز اختلاف در بین زوجین می گردد.

یکی از وظایف مهم دولت و قوه مقننه آن است که با تهیه قوانین مدون در جهت حمایت از خانواده ها تسهیلات ویژه ای برای بانوان متأهل در نظر بگیرند. مسلماً این امر کمک بسیار مهمی به ایجاد رابطه صحیح بین زوجین و فرزندان با پدر و مادر خواهد کرد. این جانب شخصاً زوجینی را می شناسم که در طول هفته موفق به دیدار حضوری با یکدیگر جهت اشتغال در دو شیفت کاری متعدد نمی شوند و صرفاً به وسیله تلفن با یکدیگر در تماس می باشند و وقتی در این خصوص به آنان تذکر داده می شود، اعلام می دارند که سازمان دولتی آن ها هیچ تلاشی در جهت رفع این مشکل انجام نمی دهد. بنظر شما با وجود این مشکل در خانواده آیا امیدی به رشد و ترقی فرزندان وجود دارد؟ آیا اسم این خانواده را می توان یک خانواده موفق گذاشت؟!

۱۱) کمک و مساعدت مالی دولت به زوجین نابارور

یکی از عوامل طلاق ناباروری است. در این صورت دولت می تواند با ارائه تسهیلات مالی به زوجین یا ارائه مشاوره جهت حل مشکلاتشان در جلوگیری از طلاق نقش مؤثری ایفا کند. هم چنین تجدید نظر در قانون سرپرستی اطفال بی سرپرست و تسهیل سرپرستی این گونه کودکان در این زمینه بسیار مؤثر خواهد بود.

۱۲) توسعه بیمه بیکاری

از دست دادن شغل و در نتیجه مشکلات اقتصادی خود در بروز طلاق مؤثر می باشد؛ در صورتی که دولت با توسعه بیمه های بیکاری و کمک به این بیمه ها می تواند در صورت بروز بیکاری با مساعدت مالی در جلوگیری از طلاق نقش مؤثری ایفا کند.

مسلماً توجه به راه حل هایی که در این مقاله به آن ها اشاره شد می تواند در کاهش آمار طلاق نقش مؤثری را ایفا نماید.